

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در تقیه بود و عرض کردیم تقیه به اقسامی تقسیم می شود و گفتیم که حضرت امام (ره) رساله ای در باب تقیه نوشته اند که در اول آن تقیه را به اعتبار مَتَّقٍ مِنْهُ و مَتَّقٍ فِيهِ به اقسامی تقسیم می کنند و همچنین تقسیم آخری وجود دارد و آن عبارت است از تقیه خوفیه و تقیه مداراتیه و تقیه کتمانیه ، و تقیه خوفیه آن است که به جهت خوف از ضرری که وجود دارد شخص تقیه کرده مثلاً روایات فراوانی داریم که مأمون (لعنة الله عليه و على آباءه) حضرت رضا (ع) را تهدید کرد که اگر ولیعهدی را قبول نکنی تو را به قتل می رسانم لذا امام (ع) جبراً و تقیهً ولیعهدی را قبول کردند ، شاید بیشتر روایات ما در همین رابطه (تقیه خوفیه یا اگراییه) باشد ، اما تقیه مداراتیه آن است که به خاطر وحدت و اتحاد با اهل تسنن با آنها مدارا کنیم با اینکه هیچگونه خوفی در میان نیست مثل اینکه پشت سر آنها نماز بخوانیم و به مساجد و مجالس آنها برویم و غیره ، و سوم تقیه کتمانیه است و آن این است که تقیه به عنوان یک تاکتیکی مورد استفاده قرار می گرفته تا اینکه شیعه بتواند کیان خود را حفظ کند یعنی اسرار شیعه را تقیه کتمان می شود و روایات فراوانی داریم که اهل بیت (ع) فرموده اند اگر کسی این اسرار را فاش کند مثل این می ماند که ما را کشته است ، خلاصه اینکه تقیه از جهات مختلفی مورد بحث قرار می گیرد.

خوب ما باید مقداری از روایات مربوط به تقیه را در نظر بگیریم تا براساس آن روایات با بصیرت بیشتری در تقسیم بندی ها گام برداریم ، صاحب وسائل از ص ۴۵۹ تا ص ۴۹۸ جلد ۱۱ وسائل ۲۰ جلدی از باب ۲۴ تا باب ۳۶ از ابواب الأمر والنهی روایات مربوط به تقیه را در ضمن بحث امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده است منتهی چون که این اخبار بسیار زیاد هستند لذا ما فقط فهرستی از آنها را عرض می کنیم.

خوب طایفه اول روایاتی هستند که دلالت دارند بر اینکه تقیه به عنوان سیر و حافظ و نگهبان و حاجب و حرز برای شما می باشد

که اخبار ۴ و ۶ و ۷ و ۱۲ و ۲۴ و ۳۳ از باب ۲۴ از ابواب الأمر والنهی بر این مطلب دلالت دارند .

طایفه دوم روایاتی هستند که دلالت دارند بر فضیلت و مشروعیت تقیه که اخبار ۱ و ۸ و ۹ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ و ۳۰ از باب ۲۴ از ابواب الأمر والنهی بر مطلب مذکور دلالت دارند.

طایفه سوم روایاتی هستند که با تأکید فراوان بر وجوب تقیه دلالت دارند که اخبار ۲۱ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۵ از باب ۲۴ از ابواب الأکر والنهی دلالت بر مطلب مذکور دارند مثلاً کمیت بن زید اسدی یک شاعر برجسته و فریادگری بوده که اشعار بسیار زیادی درباره فضیلت و حقانیت اهل بیت (ع) سروده و در خبر ۷ از باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی نقل شده که روزی خدمت حضرت صادق (ع) رسید و حضرت به او گفت دعو تو بر این بوده که برای ما و در مدح ما شعر می گفتی ولی شنیده ام که اشعاری درباره بنی امیه سروده ای که به نفع آنها می باشد ، کمیت در جواب حضرت می گوید که اگر آن اشعار را نمی گفتم من را می کشتند و بعد حضرت فرمودند اگر به این دلیل بوده پس اشکالی ندارد.

طایفه چهارم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه تقیه در حکم دین است منتهی از احکام واقعه اضطراریه ثانویه می باشد مثل علی بن یقظین که به امر امام چند روز مثل سنی ها وضو گرفت و عمل کرد تا اینکه در مقابل سوء ظن هارون الرشید در امان باشد و دیگر بعداً هم نیازی به اعاده اعمالش نسبت چون که در آن موقع تقیه مثل دین بوده و اخبار ۲ و ۳ و ۱۸ از باب ۲۴ و همچنین خبر ۴ از باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی بر مطلب مذکور دلالت دارند مثلاً در خبر ۴ از باب ۲۵ قضیه حضرت یوسف و حضرت ابراهیم را نقل می کند که آنها هم در مورد خاصی تقیه کرده اند.

طایفه پنجم اخباری هستند که تقیه را به عنوان یک تاکتیک و به عنوان جهاد معرفی کرده اند که خبر ۱۹ از باب ۲۴ از ابواب الأمر والنهی بر این مطلب دلالت دارد.

طایفه ششم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه تقیه در مقام ضرورت ثابت می باشد که اخبار ۱ و ۲ و ۸ از باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی بر این مطلب دلالت دارند .



بگوید ولی او نگفت ، خلاصه ما روایات فراوانی درباره تقیه کتمانیه داریم بنابراین ما سه جور تقیه داریم تقیه خوفیه و مداراتیه و کتمانیه که باید بعداً روایات مربوط به آنها را بررسی کنیم... .

### و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

هفتم اخباری هستند که موارد استثنائی تقیه را ذکر می کنند یعنی روایاتی داریم که دلالت دارند بر اینکه در بعضی از جاها تقیه جایی ندارد ، مثلاً فإذا بلغت التقیة الدّم فلا تقیة مثلاً به شخصی می گویند زید را بکش و إلا تو را می کشیم خوب در اینجا نمی تواند تقیة زید را بکشد و باز از موارد استثناء شده تقیه مسئله مسکر و مسّ علی الخفین و متعة می باشد و اخبار ۳ و ۵ از باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی مربوط به مستثنیات تقیه می باشد.

طایفه هشتم اخباری هستند که درباره ضابطه تقیه می باشند که خبر ۶ از باب ۲۵ در این مورد می باشد.

طایفه نهم اخباری هستند که دلالت دارند بر لزوم تشخیص موارد تقیه که خبر ۹ از باب ۲۵ بر این مطلب دلالت دارند.

خوب اخباری که عرض شد نوعاً مربوط به تقیه خوفیه بودند و اما اخباری هم داریم که مربوط به تقیه مداراتیه می باشند که اخبار ۱ و ۲ و ۳ و ۴ از باب ۲۶ از ابواب الأمر والنهی بر این مطلب دلالت دارند .

و اما روایات فراوانی هم درباره تقیه کتمانیه داریم مثلاً جریان معلی بن حنیث که از شیعیان خلّص بوده و اسامی بقیه شیعیان و پیروان حضرت صادق (ع) را می دانسته ، روزی وقتی که امام صادق (ع) به سفری رفته بودند داوود بن علی که حاکم مدینه بود او را دستگیر کرد و گفت باید اسامی شیعیان را به ما بگوئی و إلا تو را می کشیم ولی معلی حاضر نشد که اسامی آنها را فاش کند و در همین راه به شهادت رسید ، وقتی که امام صادق (ع) از سفر برگشتند به ایشان خبر دادند که معلی را داوود بن علی کشته است امام (ع) به نزد او رفت ولی او گفت که من معلی را نکشته ام بلکه غلام من او را کشته است حضرت به او فرمودند او خادم تو است و در دستگاه تو خدمت می کند باید او را حاضر کنی تا ما از او انتقام بگیریم سپس معلی او را حاضر کرد و امام (ع) خودش او را کشت و بعد از کشتن او به منزل آمدند و شب در تحجّد شبانه خودشان داوود بن علی را نفرین کردند و از خداوند خواستند که او به سزای عملش برسد و بعد در همان شب ندا بلند شد که داوود بن علی مرده است ، و همچنین ابن ابی عمیر را چندین سال به زندان انداختند و تازیانه های فراوانی به او زدند تا اسامی شیعیان را